

A conceptual image showing a large, realistic human hand holding a globe of the Earth. The hand is positioned as if supporting the globe from below. The background is a dark, starry space with a few planets or moons visible. The overall tone is majestic and divine.

# به نام خالق جهان

**حيات حقوقى**

**حقوق بين الملل**

**ارتباطات**



حقوق بین الملل ارتباطات، با توجه به تعدد سازمانها و نهادهای متولی حوزه های مختلف آن ، دارای شاخه های متفاوتی است که عبارتند از :



❖ جوامع بشری ، از آغازین لحظات تشکیل خود ، با عرف و حقوق ، اقدام به قاعده مند کردن ارتباطات کردند و جامعه جهانی نیز مثل هر جامعه نوپای دیگر ، از اواسط قرن نوزده اقدام به ضابطه مند کردن ارتباطات در سطح بین المللی نمود . در همین راستا بود که در ۱۸۶۵ در پاریس ، **ITU ( اتحادیه بین المللی ارتباطات راه دور )** تشکیل شد که از جمله اولین اتحادیه های بین الدولی بود که در آینده ، سرمشق دیگر اتحادیه ها و سازمانهای بین المللی قرار گرفت . قابل ذکر است که قبل از ITU نیز نهادهای دیگری به وجود آمده بودند که عملاً در کارشان موفقیتی حاصل نشد و تنها ITU بود که در ۱۹۳۴ عملاً موفقیت خود را در **عرصه ارتباطات دور** اثبات کرد و به این ترتیب بود که تنظیم نظام ارتباطات از تأسیس ITU آغاز شد.

❖ با وجود اینکه ITU ، قبل از سازمان ملل متحد تشکیل شده بود ، اما چهارچوب های حقوقی آن و یا به عبارتی ، ساختار حقوق بین المللی آن از زمانی ملموس شد که این ارگان به **یک ارگان تخصصی سازمان ملل** تبدیل شد هرچند که قبل از آن نیز اعمال آن خالی از اوصاف حقوقی نبود.

❖ با پیوند ITU و سازمان ملل ، **برای عاملیت سرویس های ارتباطات دور، میان ITU و UN ارتباط برقرار شد** و کارکردهای این حوزه منسجم تر و دقیق تر گشت .

❖ البته در مورد این سازمان ، از این نظر که در کجای ساختار حقوق بین الملل جای دارد . همواره ابهاماتی به چشم می خورد . چرا که ساختار و عملکرد این سازمان ، به گونه ای خاص است که در هیچ نهاد بین المللی دیگری مشاهده نمی شود .

❖ به طوری که، با توجه به ساختار ITU این سؤاها مطرح می شود:

۱. که آیا نظام قانونی و حقوقی ITU یک **administrative law** با حقوق بین الملل اداری است ؟

۲. آیا این نام با قالب آن سازگاری دارد ؟

۳. آیا اصولاً در نظام بین الملل ، حقوق اداری مورد شناسایی واقع شده است ؟

✓ شاید نتوان گفت که این نظام کاملاً یک نظام حقوقی اداری است اما قطعاً نمی توان هم ادعا کرد که شباهتی با این نظام ندارد . چرا که ITU از اختیار مطلق در وضع قواعد مربوط به ارتباطات برای اعضا و تمامی کشورها ( حتی کشورهایی که در آن عضو نیستند ) برخوردار می باشد . اجبار و استلزام حقوقی کشورها تحت نظام ITU ، به معنای واقعی کلمه، قانون سازترین شیوه وضع قواعد است که هیچ وقت از آن سرپیچی نمی شود ،

✓ چرا که در اساسنامه ITU آمده است که رعایت تصمیمات آن لازم الاتباع است ، به طوری که تقریباً تمامی کشورهای جهان ، عضو این نظام بوده و همان طور که گفته شد، حتی اگر عضو این نظام نیز نباشند قواعد و تصمیمات آن برای آنها لازم الاتباع است.

✓ چراکه قواعد آن مثل یک قاعده معیار بین المللی است، به گونه ای که بعد از وضع قاعده ای توسط این اتحادیه وضعیتی عینی ایجاد می شود که کشوری را برای ایستادگی در برابر آن نیست و عدم رعایت آن در عمل برابر می شود با حذف شدن از چرخه ارتباطات جهانی که این کار هزینه بسیار گرانی برای کشورها در بر دارد و در عمل جبران آن بسیار مشکل است .

چنانکه گفته شد ، ITU و نهادهای مشابه آن ، قواعد حقوقی حاکم بر مهندسی ارتباطات را وضع می کردند و تا زمان تشکیل سازمان ملل متحد ، یعنی ۱۹۴۵ ، عملاً هیچ نهاد بین المللی دیگری ، کنترلی بر محتوای ارتباطات نداشت .

بعد از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل ، با درک نقش عظیم وسایل ارتباطات در زمان جنگ و آینده پیش روی آن و همچنین تنش های زمان جنگ سرد میان شوروی و ایالات متحده آمریکا ، سازمان ملل اقدام به وضع قواعدی در سالهای اولیه تشکیل خود در خصوص محتوای ارتباطات نمود و عملاً **یونسکو** را ناظر و داعیه دار محتوای ارتباطات قرار داد و در موارد خاص به تناسب وضعیت ، نهادهای تخصصی جدیدی را ایجاد و یا با قطعنامه هایی بر وظایف نهادهای ذیربط افزود .

از ۱۹۴۵ میلادی ، با توجه به رویکرد ملل به حقوق افراد و نوع بشر در سطح جهان . تحت تأثیر مکتب حقوق طبیعی و حقوق موضوعه ، قاعده مند کردن حقوق مربوط به انسان آغاز شد در چنین سالهایی بود که بستر اصلی حقوق ارتباطات یعنی حقوق بشر شکل گرفت و در اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز میثاق مدنی و سیاسی ، به پایه ای ترین اصول مربوط به فضای ارتباطات اعم از **حق آزادی بیان ، فکر و ...** اشاره شد .

از ۲۰۰۳ نیز با تشکیل اجلاس سران برای جامعه اطلاعاتی ، فصل جدیدی در حوزه ارتباطات بین المللی و حقوق بین الملل ارتباطات رقم خورد که بر محور جامعه اطلاعاتی استوار است .

**بر همین اساس می توان ادعا کرد که به طور کلی ، حیات حقوقی حقوق بین الملل ارتباطات به سه دوره تاریخی قابل تقسیم است که عبارتند از :**

**الف ) از ۱۸۶۵ تا ۱۹۴۵ ( بر محور مهندسی ارتباطات .**

**ب ) از ۱۹۴۵ تا ۲۰۰۳ ( اول : بر محور جامعه شناسی ارتباطات و محتوای آن تحت قیومیت سازمان ملل متحد و ارگانهای وابسته . دوم : بر محور مهندسی ارتباطات ، با ترکیبی از سه ارگان ITU UN و WTO . )**

**ج ) از ۲۰۰۳ تا اکنون ( بر محور جامعه اطلاعاتی ، با تکیه بر محتوا و وسایل ارتباطات . )**

■ در عرصه سازمان ملل متحد نیز می توان اولین گام را در زمینه های مربوط به اطلاعات تصویب اساسنامه یونسکو ، مصوب ۱۹۴۵ دانست . همچنین فعالیت های سازمان در خصوص محتوای ارتباطات و حتی فعالیتهای حرفه ای مربوط به اطلاعات و ارتباطات ، نظیر خبرنگاری و پخش اطلاعات نیز از ۱۹۴۶ به طور گسترده ای آغاز شد . قطعنامه ۵۹/۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره دعوت به تشکیل کنفرانس بین المللی آزادی اطلاعات ، قطعنامه ۱۲۷/۲ مورخ ۱۹۴۷ مجمع عمومی درباره گزارش های کذب و تحریف شده ، پیش نویس کنوانسیون جمع آوری و ارسال اخبار مورخ ۱۹۴۸ ، قطعنامه ۲۰۸۱/۲۰ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۶۵ درباره انعقاد قراردادهایی برای آزادی اطلاع رسانی ، قطعنامه های ۴۲۴/۵ و ۲۴۴۸/۲۳ مورخ ۱۹۶۸ . مجمع عمومی راجع به آزادی اطلاعات و تداخل امواج رادیویی و همچنین آزادی اطلاعات ، از این دست می باشند .

■ علاوه بر آن ، دسته ای از موافقتنامه های بین المللی با رهبری یونسکو و سازمان ملل متحد که مربوط به آموزش و علوم هستند نیز به تصویب رسیدند که موافقتنامه تسهیل پخش بین المللی مطالب سمعی و بصری مربوط به امور آموزشی ، علمی و فرهنگی ( معروف به موافقتنامه بیروت ) موافقتنامه ورود مطالب آموزشی ، علمی و فرهنگی مورخ ۱۹۵۰ ( معروف به موافقتنامه فلورانس ) و پروتکل الحاقی ۱۹۷۶ آن ، از این دست هستند . همچنین اعلامیه اصول راهنمای استفاده از ماهواره برای پخش برنامه ها ، مورخ ۱۹۷۴ و اعلامیه رسانه های گروهی مورخ ۱۹۷۸ نیز از اسنادی هستند که در جهت پخش اطلاعات در سطح بین المللی از سوی سازمان ملل متحد صادر شده اند .

■ صلح بین المللی نیز ، از آنجا که یکی از اهداف منشور به حساب می آمده است ، از ابتدای خلق فضای ارتباطات نوین و شکل گیری صنعت انتشار اطلاعات ، اسنادی را برای کنترل پدیدار های ارتباطی ، جهت برقراری و تحکیم صلح به خود اختصاص داده است که کنوانسیون بین المللی استفاده از پخش برنامه ها برای صلح مورخ ۱۹۳۶ ، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ( ماده ۱۰ ) اعلامیه رسانه های ارتباط جمعی و حقوق بشر در شورای اروپا ، قطعنامه ۴۲۸ مورخ ۱۹۷۰ ، اعلامیه اصول اساسی نقش رسانه های گروهی در تقویت صلح و تفاهم بین المللی ترویج حقوق بشر و مبارزه با نژاد پرستی و آپارتاید و انگیزش جنگ ( کنفرانس عمومی یونسکو ، قطعنامه ۲/۳/۹/۴ مورخ ۱۹۷۸ ) از این دست می باشند .

توسعه ارتباطات نیز ، یکی از مسئله های اصلی حقوق بین الملل ارتباطات است. که وسیعاً در کشورهای جهان سوم مورد تأکید قرار گرفته است و شاهد مثال آن نیز اسنادی چون:

- قطعنامه ۷/۶۳۳ مورخ ۱۹۵۲ مجمع عمومی در خصوص تسهیلات اطلاعات در مناطق عقب مانده جهان،
- قطعنامه ۱۳/۱۳۱۳ مورخ ۱۹۵۸ مجمع عمومی درباره آزادی اطلاعات
- قطعنامه ۱۷/۱۷۷۸ مجمع عمومی مورخ ۱۹۶۲ در خصوص همکاری بین المللی جهت کمک به توسعه رسانه ها در کشورهای عقب مانده، قطعنامه ۱۳۹/۳۱ مورخ ۱۹۷۶ مجمع عمومی درباره همکاری و معاضدت در کاربرد و بهبود سیستم های ملی اطلاعات و ارتباطات جمعی برای پیشرفت اجتماعی و توسعه
- و یک سند بسیار مهم دیگر یعنی قطعنامه ۲۱/۴ مورخ ۱۹۸۰ مجمع عمومی یونسکو درباره برنامه بین المللی توسعه ارتباطات ( IPDC ) است .

از دیگر مواردی که در طول حیات حقوقی حقوق بین الملل ارتباطات از اهمیت بالایی برخوردار بوده است ، خط مشی های کلی ارتباطات و یا محتوای ارتباطات است .

چنانکه ، علاوه بر نقشی که برای خط مشی های فنی ارتباطات مورد نظر بوده است ، محتوای ارتباطات نیز از ۱۹۸۰ به این سو در اسناد مختلف بین المللی مورد توجه قرار گرفته است که با توجه به رویه ای بین المللی ، براساس منطقه گرایی و عوامل تجانس منطقه ای ترسیم گشته اند.

- قطعنامه ۱۹/۴ مجمع عمومی یونسکو مورخ ۱۹۸۰ ، در خصوص کمیسیون بین المللی مطالعه مسائل ارتباطات و اعلامیه های سان خوزه ( در آمریکای لاتین) ، اعلامیه کوالالمپور ( در آسیا و اقیانوسیه ) و اعلامیه یائونده ( در آفریقا ) از این دست می باشند . در ادامه قابل ذکر است که اوج فعالیت های سازمان ملل و بخصوص یونسکو در زمینه ارتباطات از ۱۹۷۰ شروع شده و هم اکنون فعالیت های آن مبنایی برای اقدامات فعلی سازمان شده است .



- در ۱۹۷۰، با کشیده شدن پای رسانه ها به جنگها و حضور خبرنگاران در مناطق جنگی اسنادی در جهت حمایت و محافظت از خبرنگاران در مناطق جنگی تصویب شد.

- که دستهای از آنها عبارتند از :

قطعهنامه ۷۳/۲۵۲۶ مورخ ۱۹۷۰ مجمع عمومی درباره حمایت از روزنامه نگاران در مأموریت های خطرناک در مناطق جنگ زده ، پیش نویس مقدماتی کنوانسیون بین المللی در خصوص حمایت از روزنامه نگاران در مأموریت های خطرناک ( قطعهنامه ۱۵۹۷ مورخ ۱۹۷۱ شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد ) و پیش نویس قواعد بین المللی اخلاق حرفه ای بین المللی ( قطعهنامه ۴۴۲ b ( ۱۹۵۲ ) شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد ).

- از دیگر موضوعاتی که در طول حیات حقوقی حقوق بین الملل ارتباطات مورد توجه قرار گرفت ، اقداماتی برای توقف مسابقه تسلیحاتی و حرکت به سوی خلع سلاح بود که در ۱۹۸۰، با توجه به جو حاکم بر فضای ارتباطات که ناشی از جنگ سرد بود ، در دستور کار قرار گرفت .

- موضوع مهم دیگری که در طول حیات حقوقی حقوق بین الملل ارتباطات جلب توجه می کند، وجود تنش های درون یونسکو ، میان کشورهای در حال توسعه و ایالات متحده و انگلیس است .

- بدین صورت که بر اثر فعالیتهای کشورهای جنوب ، در ۱۹۷۰ معلوم شد که مشکل اصلی جهان در حوزه ارتباطات ، تنها محدود به آزادی ارتباطات نیست بلکه علاوه بر آن ، بحث چگونگی انتقال اطلاعات در جامعه بشری مطرح است که به صورتی ناهمگون رشد یافته است . چنانچه طی سالها ، بر اساس چنین نظری ، کشورهای کمونیست و امپریالیستی با هم درگیر شدند .
- به این ترتیب که کشورهای کمونیست ، خواهان برقراری تعادل و کنترل تبادل اطلاعات میان شرق و غرب و به طور کلی ، کشورهای شمال و جنوب بودند .
- این ادعای کشورهای کمونیست و جنبش غیر متعهدها در دهه ۷۰ ، در یونسکو ، به تشکیل دستور کار اطلاعات و ارتباطات جهان جدید منجر شد . در پی این فرایند و بروز تنش میان کشورهای کمونیست و نم ( NAM ) از سویی و کشورهای امپریالیستی از سوی دیگر در دهه ۱۹۸۰ آمریکا و انگلیس به ترتیب در ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ از یونسکو خارج شدند .
- نظام نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات نیز از ۱۹۷۸ از سوی کشورهای غیر متعهد ، مورد توجه قرار گرفت که در جهت مخالفت با فرایند یکسویه نظام اطلاعات و ارتباطات در جهان ترسیم شده بود .
- در ۱۹۸۹ در بیست و پنجمین نشست دوره ای یونسکو، استراتژی جدید ارتباطات توسط یونسکو مدنظر قرار گرفت و از پایان جنگ سرد نیز فضای ارتباطات جدیدی ایجاد شد.
- ( جریان آزاد اطلاعات در سطح بین المللی به اندازه سطح ملی ، تشویق شد و انتشار وسیع تر و متعادل شده تری از اطلاعات ، بدون ممانعت از آزادی بیان ، مشاهده گردید ) .

استراتژی جدید ارتباطات ، توسط یونسکو ، با سه هدف در کنفرانس عمومی یونسکو شکل گرفت که عبارت بودند از :

( ۱ ) تشویق جریان آزاد اطلاعات در سطح بین المللی ، همانند سطح ملی کشورها .

( ۲ ) افزایش بهتر و متعادل تر پخش اطلاعات بدون هر مانعی در جهت آزادی بیان

( ۳ ) توسعه تمامی وسایل ، ابزارها و مهارت های به کارگیری آنها و تقویت ظرفیت های ارتباطات در کشورهای در حال توسعه از طریق دستور به توسعه مشارکت در فرایند ارتباطات .

در این میان ، از دهه ۱۹۸۰ ، با ظهور پدیدارهای دموکراتیک در کشورهای شرقی و مرکزی اروپا ، رویکردهای لیبرالی به رسانه ها گسترش یافته و آزادی نشر و بیان و استقلال رسانه ها و تشویق پلورالیسم اطلاعاتی در دستور کار قرار گرفت و در همان سالها ، یونسکو ، به صورت مشترک با همکاری UN – DPI و چندین سازمان رسانه ای حرفه ای بین المللی ، نشست های منطقه ای را در خصوص گسترش و تشویق رسانه های چند صدا و مستقل برپا نمود که اولین آن در وایندهاک – نامبیا ، دومی در آلماتا – قزاقستان ، سومی در سانتیاگو – شیلی و چهارم آن در صنعا – یمن برگزار شد .

علاوه بر فعالیتهای فوق ، برای حمایت از حقوق زنان در عرصه ارتباطات ، پلتفرم تورنتو در ۱۹۹۵ به منظور حمایت از حقوق زنان در فرایند ارتباطات جهانی ، طراحی و مطرح گردید از دهه ۱۹۹۰ به این سو ، به طور پراکنده و با توجه به وضعیت جامعه جهانی ، قطعنامه های متعددی توسط مجمع عمومی به تصویب رسیده که از محورهای موضوعی خاصی برخوردارند که اهم آنها به قرار زیر است :

۱) قطعنامه ۱۰۴ ، سال ۱۹۸۹ ، توسط کنفرانس عمومی یونسکو با نام ارتباطات در خدمت بشریت

۲) قطعنامه ۴۰۳ ، سال ۱۹۹۱ ، برای آزادی نشر در جهان .

۳) قطعنامه ۴۰۳ ، سال ۱۹۹۳ ، برای زنان و رسانه

۴) قطعنامه ۴۰۶ ، سال ۱۹۹۵ ، برای نقش و کارکرد سرویس های عمومی .

۵) قطعنامه ۴۰۵ ، سال ۱۹۹۵ ، برای حمایت از فعالیت های آموزشی و فرهنگی و متعهد نمودن سرویس های عمومی بخش و رسانه ها و ژورنالها برای کاهش بی حرمتی و خشونت .

۶) قطعنامه ۴۰۶ ، سال ۱۹۹۵ ، برای گسترش رسانه های چندصدا و مستقل .

۷) قطعنامه ۱۵ سال ۱۹۹۵ ، برای تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات

## آزادی مطبوعات

همچنین در حیات حقوقی حقوق بین الملل ارتباطات ، آزادی مطبوعات ، یکی دیگر از موضوعاتی است که از ۱۹۷۰ به این سو در اسناد منطقه ای و بین المللی متعددی مورد توجه قرار گرفته است که دسته ای از آنها به قرار زیرند :

( ۱ ) اعلامیه مونیخ ، ۱۹۷۱ ، شامل حقوق و وظایف ژورنالیستها که توسط شش کشور از اتحادیه اروپا به تصویب رسید .

( ۲ ) اعلامیه چاپولتیک که یکی از نقطه های تلاقی عناصر حقوق بین الملل با یکدیگر است که بین صدها ژورنالیست حرفه ای در مکزیکوسیتی در ۱۹۹۴ ، در نشست معروف به ( Inter American Press Association ) ( IAPA ) به تصویب رسید . از نکته های جالب توجه این سند که در استاد منتسب به یونسکو به عنوان یکی از منابع آزادی مطبوعات مورد توجه قرار می گیرد این است که این سند توسط رئیس جمهور ایالات متحده و سران تعدادی زیادی از کشورهای آمریکای لاتین و توسط دبیرکل سازمان ملل و مدیرکل یونسکو امضا شده است که در نوع خود می تواند شروعی انقلابی برای معرفی تابعان فرعی حقوق بین الملل در نقش بازیگران اصلی جامعه بین المللی به حساب آید .

( ۳ ) منشور آزادی مطبوعات ، در ۱۹۸۷ در لندن که توسط ژورنالیست ها ، به نمایندگی از سوی ۳۴ کشور جهان و سازمانهای خصوصی فعال در زمینه آزادی مطبوعات در سطح بین المللی و منطقه ای صادر شد .

( ۴ ) کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های بنیادی در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ و کنوانسیون حقوق بشر آمریکایی ۱۹۶۹ و کنوانسیون ۱۲ جولای ۱۹۸۱ حقوق بشر و مردم آفریقا .

## پلورالیسم و استقلال رسانه ها

پلورالیسم و استقلال رسانه ها از دیگر اموری بود که در طول حیات حقوق بین الملل ارتباطات به وجود آمد و از ۱۹۹۰ به این سو به عنوان اصلی ترین شعار رسانه ها و در کل ، سیاست گذاران رسانه ها در کشورهای در حال توسعه مطرح شد .

استقلال رسانه ها از اوایل دهه ۹۰ به این سو ، در کشورهای جهان و به خصوص توسط انجمن های غیردولتی پیگیری شده است که حوزه عمده آن کشورهای آفریقایی ، خاورمیانه و همچنین هند بوده است . در این راستا ، در اثر درگیری میان حکومت ها و نهادهای غیر دولتی در جهت حفظ استقلال رسانه ها ، سیستم منحصر به فردی نیز در آفریقای جنوبی به وجود آمد که به نام خود کنترلی ( self - regulatory ) معروف شده است که طی آن ، شورایی از ژورنالیستها . رسانه ها را کنترل می کرد و نقش عنصر ناظر را برعهده داشت ؛ در نتیجه ، از آن سال به بعد نوع دیگری از عنصر ناظر که بسیار دموکراتیک تر از دیگر انواع آن است به وجود آمد .

به عبارتی می توان عناصر ناظر را از ۱۹۹۰ به این سو به شرح زیر معرفی نمود :

( ۱ ) عنصر ناظر دولتی

( ۲ ) عنصر ناظر خصوصی

( ۳ ) عنصر ناظر شورایی ( تشکلی از فعالین حوزه ارتباطات و اطلاعات ) .



## حق ارتباط

از دیگر موضوعاتی که در حیات حقوقی حقوق بین الملل ارتباطات از اهمیت بسیار برخوردار بوده و تاکنون موضوع مناقشات فراوان بوده و هنوز هم اجماعی بر سر آن حاصل نشده است ، موضوع **حق ارتباط** است .

حق ارتباط در NWICO ، برای اولین بار ، توسط کشورهای عضو جنبش عدم تعهد مطرح شد و علتش این بود که آنها خطراتی را که رسانه ها و وسایل ارتباطات برای ملت ها به همراه داشته و خود را در پس پرده شعارهای حاکم بر فضای ارتباطات نظیر آزادی ارتباطات و ... پنهان می کردند ، به وضوح تشخیص داده بودند. بر همین اساس ، کشورها به طور جدی راجع به تحت فشار قرار گرفتن هویت ملی خود ، اعم از حق حاکمیت سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی از سوی رسانه ها به بحث پرداختند .

**این جریان که با پیشگامی کشورهای عضو NAM به بحث درباره حق ارتباط پرداخت ، بر اصول زیر تمرکز داشت :**

( ۱ ) جریان آزاد اطلاعات که تحت تسلط کشورهای غربی بود.

( ۲ ) رشد اثرات مخرب ناشی از تراکم رسانه ها و ارتباطات ( صنعت ارتباطات ) در کشورهای فقیر

( ۳ ) اهمیت کنترل رشد کشورهای غربی در زمینه تکنولوژی تولیدات رسانه ای و گسترش آن در کشورهای فقیر که مشکلاتی را برای آنها به همراه می آورد .

حق ارتباط که توسط NAM مورد تأکید قرار گرفت و در سالهای بعد دیگر بررسی نشد ، حقوق زیر را شامل می شد :

۱. حق اطلاع یافتن ،
۲. حق اطلاع دادن با آگاهی دادن ،
۳. حق خصوصی نگاه داشتن اطلاعات
۴. حق مشارکت در ارتباطات عمومی

در این فاصله ، آمریکا با همکاری صنایع و لابی های خصوصی ، تهاجمات و تنش هایی را علیه UNESCO به علت توجهش به موضوع حق ارتباط ، آغاز نمود ؛ چرا که الگوی آمریکا و متحدانش در توسعه ارتباطات ، مبتنی بر مدل WTO بود که بر اصل رقابت اقتصادی تکیه داشته و اهمیت زیادی برای اصول حقوق بشری حقوق بین الملل ارتباطات قائل نبود .

وقتی جامعه اطلاعاتی پا گرفت ، NWICO فروکش کرد و در حال حاضر ، نظام حاکم بر حقوق ارتباطات واحد اصول عرفی است که از دهه ۱۹۸۰ به این سو شکل گرفته است .

با استراتژی جدید ارتباطات که توسط مدیر جدید یونسکو ، فردریکوماپور در ۱۹۸۹ مطرح شد ، پایه های NWICO کاملاً فروریخت . اما امروزه تحت فشار کشورهای عضو جنبش عدم تعهد از ۲۰۰۳ ، و در پی اجلاس سران برای جامعه اطلاعاتی ، مطرح شده و در اعلامیه های آن دوباره مورد تأکید قرار گرفته است .

اعتقاد غالب بر این است که نقطه اتکا NWICO، حق ارتباط بوده است (right to communicate) اما امروزه واژه دیگری جای آن را گرفته که (حقوق ارتباط) است .



استدلال NAM بر این اساس استوار بود که واقعیت مهمی به علت منافع قدرت های بزرگ ، به فراموشی سپرده شده است و آن **تکالیف عناصر ارتباط** است . به عنوان مثال هیچ کس حاضر نیست خطرات آزادی ناشی از جریان آزاد اطلاعات را که در سالیان اخیر موجب تشدید تنش ها و استمرار جنگهای خونبار در کشورهای جهان سوم شده است در نظر گیرد.

به عقیده منتقدین NAM، حقوق ارتباط ( جمع حق های ارتباط ) موارد زیر را شامل می شود:

( ۱ ) حق مشارکت در یک فرهنگ و با استفاده از زبان مادری

( ۲ ) حق حاکمیت و کنترل بر اطلاعاتی که با مصلحت جمعی همراه اند.

( ۳ ) حق حمایت از اطلاعات اخلاقی و ادبی

( ۴ ) حق حریم خصوصی

( ۵ ) حق آموزش ابتدایی و آموزش عالی

در راستای اعتقاد به اصل حق ارتباط و اجرای آن ، سازمان ملل متحد ، فعالیت هایی را برای تقویم حق ارتباط انجام داده که نمونه ای از آن خطوط اجاره ای و تشکیل **intelsat** و عمده ترین آن ایجاد و تعریف استانداردهای بین المللی ، شامل امور فنی و محتوایی توسط ITU و WSIS می باشد .

در مسیر گذار از ارتباطات و تکنولوژیهای مربوط به آن که صرفاً نقش یک وسیله ارتباطی ساده را بر عهده داشته اند ( با توجه به رویکرد جدید ملل و مردم جهان) به پدیده جامعه اطلاعاتی بر می خوریم که امروزه محوریت مباحث فنی و حقوقی فضای ارتباطات را به خود اختصاص داده است .

چنان که در اعلامیه اجلاس سران برای جامعه اطلاعاتی در تونس در ۲۰۰۵ آمده است :

« اصول جهانی و غیر تبعیض آمیز برای دسترسی تمامی ملل به ICT تصدیق می شود و در این مسیر ، محاسبه سطح توسعه اجتماعی و اقتصادی هریک از کشورها الزامی است . ضمناً تأکید می شود که ICT ابزار مؤثری در جهت ارتقا صلح ، امنیت و پایداری ، افزایش سطح دموکراسی ، همبستگی اجتماعی ، حکومت خوب در سطح ملی ، منطقه ای و بین المللی است . » ۲. در بخش دوم از تعهد تونس همچنین اشاره شد ه است : « ما بار دیگر ، اشتیاق و تعهد خود برای ایجاد و یا پی ریزی جریانی با محوریت مردم ، در جهت توسعه جامعه اطلاعاتی ، براساس اهداف و اصول منشور ملل متحد ، حقوق بین الملل و نیز چند جانبه گرایی به منظور دسترسی کامل مردم به اطلاعات ، طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصدیق می کنیم ، پس مردم در هر کجا می توانند اطلاعات و دانش ایجاد کنند و به آن دسترسی داشته باشند و یا آن را به اشتراک بگذارند تا جایی که به ظرفیت های کامل خود در پیشرفت و توسعه نائل شوند . »

بنیانهای جامعه اطلاعاتی را می توان در دهه ۱۹۶۰ یعنی زمانی که رایانه اختراع شد و بخش های کشاورزی و صنعت دچار رکود و کاهش شده بود جستجو کرد ؛ به طوری که شبکه های رایانه ای و به طور کل ، فضای مجازی ، در زمانی اندک گسترش یافت و فراگیر شد فضای آزاد ارتباطات در شبکه جهانی اینترنت ، مجالی شد تا مردم جهان ، بدون واسطه ، با هم ارتباط برقرار کنند . این فضا ، دموکراسی را برای اولین بار از مفهوم جهانی برخوردار کرد و مرزهای کشورها را کم اثر ساخت . اما این فضا ، صورتی عنان گسیخته به خود گرفت و شاید در اینجا بود که خلط میان دو واژه **سانسور و نظارت** پیش آمد .

ناگفته نماند که تا زمان ظهور اینترنت ، حقوق ارتباطات ، میان مفاهیم حقوق بشری و وسایلی چون ماهواره ها و تجهیزات رادیویی و تصویری محصور بود و اکثر قواعد بین المللی حاکم بر آن نیز به کار تثبیت حقوق عناصر ارتباط و تنظیم رابطه میان آنها می آمد و علت آن نیز حضور پررنگ حاکمیتها در فرایند ارتباطات بود. اما از ۱۹۹۵ که اینترنت فراگیر شد حقوق بین الملل ارتباطات ، موضوعات بسیار مهم تری چون جامعه اطلاعاتی را در خود جای داد .

از ۲۰۰۳ میلادی ، با تشکیل اجلاس سران برای جامعه اطلاعاتی در ژنو ، ICT به عنوان محور مباحث حقوق بین الملل ارتباطات ، میان ملل جهان قرار گرفت ؛

در سالهای اخیر ، WSIS رویکرد حقوق بین الملل ارتباطات را ، چنانچه در اعلامیه جامعه مدنی کنفرانس سران جهان برای جامعه اطلاعاتی آمده است ، به شرح زیر بیان می کند . در این اعلامیه در زمینه تشکیل جامعه اطلاعاتی اهدافی ذکر شده که در سه بخش کلی زیر خلاصه می شود:

۱) عدالت اجتماعی ( social justice ) و مردم محوری در توسعه پایدار که بخش های زیر را شامل می شود:

الف ) ریشه کنی فقر ( poverty eradication )

ب ) شهروندی جهانی ( global citizenship )

ج ) عدالت جنسی ( gender justice )

د ) اهمیت جوانان ( importance of youth )

ه ) دسترسی به اطلاعات و وسایل ارتباطات

(Access to information and the means communication)

و ) دسترسی به اطلاعات حوزه سلامت (Access to health information )

ز ) سواد پایه ای و ابتدایی ( basic literacy )

ح ) توسعه پایدار جامعه با ساخت ICT و موقعیتهای متضاد

(Sustainable development of society by building ICT and contrasting locations)

۲) محوریت حقوق بشر ( centrality of human rights ) شامل :

الف ) آزادی بیان ( freedom of expression )

ب ) حق مصون بودن امور خصوصی ( امنیت خلوت شخصی )

(The right to privacy (privacy security)

ج ) حق مشارکت در امور عمومی ( right to participate in )

د ) حقوق کارگران ( workers rights )

ه ) رعایت حقوق بومیان ( rights of indigenous people )

و ) حقوق زنان (Women's rights)

ز ) حقوق کودکان (Children's rights)

ح ) حقوق اشخاص محجور ( rights of persons with disabilities ) به وسیله قاعده سازی و حاکمیت قانون ( regulation the rule of law )

۳) فرهنگ ، دانش و حوزه عمومی ( public domain ) ، شامل:

الف) فرهنگ و تنوع زبانی ( cultural and linguistic diversity )

- ظرفیت سازی و آموزش ( capacity building and education )
- زبان ( language )
- حقوق بین الملل و مقررات ( regulation )

ب- رسانه ( media )

- نقش رسانه ( the role of media )
- رسانه های جمعی یا اجتماعی ( community media )

ج) زمینه عمومی از دانش جهانی

- دانش بومی ( indigenous peoples knowledge )
- کپی رایت ، حق امتیاز و علامت تجاری ( trademarks patents )
- نرم افزار ( software )
- تحقیق ( reasearch )

در این سند ، به بعد اخلاقی ارتباطات توجه فراوانی شده و ذکر شده است که باید فرهنگ ، زبان و تنوع رسانه ها حفظ شود و بر اساس ماده ۱۹ و ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق و مدنی و سیاسی و ماده ۱۳ و ۱۵ میثاق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۵ و ۶ اعلامیه جهانی ، پایه ای ترین اصول حقوق بشر در این زمینه رعایت شود . تعیین سال تنوع فرهنگی در ۲۰۰۱ توسط یونسکو نیز یکی از اقدامات سازمان ملل متحد در این جهت بوده است .

البته ، فعالیتهای بین المللی در راستای جامعه اطلاعاتی ، همواره نقش توسعه ای نداشته و در مواقعی از طریق ساز و کارهایی در جهت مقابله با رفتارهای ضد هنجاری گام برداشته است . به عنوان مثال ، در این راستا ، COMUSERVE نهادی بود که برای محدود ساختن فعالیتهایی نظیر پورنوگرافی در سطح شبکه ، وضع قانون نمود که در زمان تشکیل آن ، یعنی ۱۹۹۵ ، قواعد آن بر وضع ۴ میلیون نفر از ۱۴۰ کشور جهان حاکم بود . در آلمان نیز در ۱۹۹۷ با تقویت COMUSERVE قانون چند رسانه ای به تصویب رسید که شامل مواردی چون پورنوگرافی ، نژاد پرستی ، ترویج فحشا و ... می شد .

در ایالات متحده آمریکا به عنوان اصلی ترین پایگاه وسایل و منابع فضای ارتباطات FBI از سال ۱۹۹۵ کسانی را که در زمینه گسترش پورنوگرافی کودکان فعالیت می کردند دستگیر و تعقیب می نمود و در همان ۱۹۹۵ ، سناتور جیمز اکسون رهبر ضد سکس آمریکا ، از واژه جنگ صلیبی یا جهاد علیه سکس استفاده نمود و مجلس سنای آمریکا نیز لایحه ( نجابت ارتباطات ) را که علیه محتوای شرم آور و موهن بود ، به تصویب رساند . در ادامه این روند ، از ارتباط هماهنگ یازده ایالت از ایالات متحده آمریکا ، هماهنگی خاصی در سطح ایالات متحده نسبت به این موضوع حاصل شد و دسترسی به اینترنت و محتوای آن محدود گردید که براساس آن بی حرمتی ، زشتی و پورنوگرافی مورد هجوم قرار گرفت .



## مفهوم حقوق و تكاليف عناصر ارتباطات

➤ با توجه به مطالبی که تا به اینجا بیان شد می توان گفت که احصای تک حقوق و تکالیف عناصر ارتباط ، کاری عقلایی نیست چراکه هر یک از اعمال عناصر یک ارتباط در برخورد با اصول حقوق بین الملل ارتباطات، صورت خاصی از حقوق و تکالیف را مطرح می کند . از این روی ، می بایست مفهوم جامعی از حقوق و تکالیف عناصر ارتباط ارائه گردد .

➤ البته باید گفت که نکته مهم در خصوص مفهوم حقوق و تکالیف عناصر ارتباط ، منبع و منشأ اصدار حقوق و تکالیف عناصر ارتباط است . به عبارتی ، چه مرجعی حق تعیین حق و تکلیف را برای عناصر ارتباط دارد ؟

➤ جامع ترین پاسخی که می توان به این سؤال داد این است که مرجع صالح در این خصوص ، حقوق بین الملل و منابع سنتی آن می باشد ؛ یعنی حقوق کنوانسیون ( دوجانبه و چند جانبه و همه جانبه ) و حقوق عرفی که در فصول آتی به جزئیات آن خواهیم پرداخت .

➤ گفتنی است که حقوق و تکالیف عناصر ارتباط ، با توجه به نقشی که هر یک می تواند در فرایند یک ارتباط در جامعه ایفا کند ، معین می شود و نوع رفتار عناصر در برخورد با هر یک از اصول حقوق بین الملل ارتباطات که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد ، شکل خاصی از حقوق و تکالیف را القا می کند .

➤ پس ، با اذعان به این نکته که حقوق بین الملل ارتباطات در طول زمان و در طی فرایندهای عرفی و کنوانسیونی خود واجد اصول ثابتی شده است ، باید مفهوم حقوق و تکالیف عناصر ارتباط را در نسبت با این اصول ، مورد بررسی و شناسایی قرار دهیم . بنابراین ، در اینجا ، از توضیحات بیشتر در این زمینه خودداری کرده و در بخش دوم ، دسته ای از مهم ترین اصول حقوق بین الملل ارتباطات را متذکر شده و حقوق و تکالیف هر یک از عناصر ارتباط را در ارتباط با این اصول به طور مجزا مورد بررسی قرار می دهیم .